

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد

ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها - (جله دوم) - موضوع: سیرکوفانی امت

جله پنجم - استاد اخوت ۱۶/۱۲/۱۷

برای سلامتی خودتان و همه دوست‌داران اهل بیت (علیهم السلام) و به خصوص همه زنان و مادران مومن اسلام، صلواتی بفرستید.

ان شاء الله که امشب را به عنوان شب قدر در ذهن تداعی می‌کنیم. حضرت صدیقه (علیها السلام) طاهره (علیها السلام) در روایات به عنوان شب قدر یاد شده‌اند. اگر هم شب تولد ایشان شب قدر نباشد، حتماً به شب قدر ختم می‌شود. بحثی را آغاز کرده‌ایم که باید به جایی برسانیم و گرنه بحث‌های ناتمام به کاری نمی‌آید و ممکن است بخشی از حرف‌ها به صورت نامفهوم باقی بماند.

انسان سیر زندگی دارد که ما آن را با نام زمان می‌شناسیم. انسان از تولد تا مرگ سیری را طی می‌کند و این مربوط به هر مخلوقی است ولو اینکه برای ما خیلی ملموس نباشد. گیاهی که کاشته می‌شود یک بذر است، تنه در آن ایجاد می‌شود، باید رشد کند و سیری را طی کند تا میوه دهد و ظاهراً تمام شود. این سیر مربوط به همه مخلوقات است.

آنچه در زندگی دنیا مهم است، این سیر است. از قبل از دوره جنینی و از دوره صُلب و رحم پدران و مادران، جریان بوده و وقتی به دنیا می‌آید تا از دنیا برود، همه یک سیر است. ممکن است کسی ازدواج نیز نکند اما در صُلب و رحم‌های بقیه انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. این بحث از جهت سیر آن خیلی اهمیت پیدا می‌کند.

در مورد این سیر خیلی صحبت شده است و نکات زیادی در مورد آن گفته شده است. باید دو کار انجام دهیم: از منفعت‌ها و ضرورت‌های این بحث باید بگوییم.

اگر زندگی انسان را یک سیر و یک عمر معمولی ۶۰ تا ۷۰ ساله در نظر بگیریم. باید برای طول عمر دعا کنیم. در هر سالی و یا در هر دو سالی و یا در هر چند سالی اتفاق مهمی در زندگی انسان می‌افتد که قبل از آن این اتفاق نبوده است. بچه‌ای حرف می‌زند، راه می‌رود و توان‌های مختلفی پیدا می‌کند. حیات با این سیر بسیار قرین است.

گرفتن زمان از انسان یعنی مرگ. همانطور که انسان در سیر زندگی طبیعی خود، قدرت‌ها و توان‌های مختلف را پیدا می‌کند، در سیر معنوی خود نیز توان‌هایی به تدریج به او داده می‌شود و همه توان‌ها یک مرتبه در ظرف وجودی فرد قرار نمی‌گیرد. این در سیر طبیعی تقریباً مشخص شده است.

در کتاب‌های روان‌شناسی و طبی این توان‌ها گفته شده و زمان آن نیز مشخص است. اما در منابع دینی و حتی منابع جدید روان‌شناسی کمتر به خصوصیات معنوی انسان پرداخته می‌شود و آن هم به دلیل اینکه غرب، انسان را موجودی متفاوت در تفکر و سیطره و تسخیر می‌داند و توان معنوی خاصی برای او در نظر نمی‌گیرد و این البته از محرومیت‌های علوم غربی در حوزه انسان است.

در روایات نیز، روایات کمی داریم که بگویند هر خصوصیتی مربوط به چه دوره‌ای است. آنقدر کم است که نمی‌توان آن را تبدیل به آیین‌نامه اجرایی کرد. ما نمی‌توانیم از این موضوع غفلت کنیم چون ممکن است دوره‌ای بگذرد و فیوضاتی به ما نرسد. شاخص ارزیابی ما برای دریافت فیوضات چیست؟ زندگی انسان فقط همین نیست و او دارای آخرتی است. انسان باید به رشدهایی برسد. کسی نمی‌تواند بگوید این موضوع را رها کنیم...، بالاخره یک چیزی می‌شود! داد وستد انسان در سنین مختلف متفاوت است از کجا معلوم من این داد و ستد را دارم؟ و شاخص‌های ارزیابی من برای بررسی داد وستدها با غیب چیست؟

هر کدام از امامان شیعی برای ما، شاخص مرتبه‌ای از مراتب رشد است.

انسان باید در دوره اول ویژگی‌هایی را پیدا کند و به اسلام رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، مسلمان شود.

دوره دوم به اسلام امیرالمومنین (علیه السلام) و... مسلمان می‌شود.

اگر هر دوره‌ای را خواستید بشناسید، باید ویژگی آن امام در آن دوره محقق شود.

برای اینکه متوجه شوید هر دوره‌ای چه ویژگی باید داشته باشد، واضح‌تر از این نمی‌شود گفت که شما دوازده امامی شوید و برای شما در هر دوره‌ای امامی تجلی کند. وقتی انسان کامل می‌شود که به همه مراتب رشد رسیده باشد و دوازده امامی شود.

ممکن است کسی بگوید من این‌ها را قبول ندارم و نمی‌شود که این‌ها مرتبه باشند. به هر حال اگر بپذیری که سیر انسان مرتبه‌ای است باید شاخص‌های آن را بگویند و این از طریق امامان شیعه (علیهم السلام) گفته شده است.

بر اساس دعا‌های هفته حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) ویژگی‌های دوره رشد را استخراج کرده‌ایم.

این دوره‌ها را می‌توان به سه دوره؛ طفولیت، جوانی و کهنه‌ت و یا به پنج دوره؛ طفولیت اول، طفولیت دوم، جوانی، میانسالی و پیری و یا به هفت دوره؛ دوره اول رشد از تولد تا هفت سالگی، دوره دوم رشد از هفت سالگی تا چهارده سالگی، از چهارده سالگی تا هیجده و... تقسیم کرد و یا می‌توان آن را به دوازده دوره تقسیم کرد؛ تولد تا دو سالگی، دو تا چهار سالگی، چهار تا شش سالگی و... سی و دو تا چهل سالگی و چهل سالگی به بعد، دوازده دوره می‌شود.

باید در هر دوره‌ای اتفاقات خاصی بیافتد. هدف دوره باید معلوم باشد و تعلیم و تربیت همه باید درصدد تحقق ویژگی‌های دوره‌ها باشد. زمانی می‌گوییم این هفت دوره با یک دعا متناسب است. دوره اول را با روز شنبه تبدیل به یک ذکر می‌کنیم که در هفت سال اول باید این ذکر محقق شود. این می‌شود ویژگی‌های دوره اول. دعا‌های روزانه نماد آن دوره‌ها است و برای اینکه انسان فراموش نکند هر روز شنبه باید این اتفاق بیافتد تا به زمان و موعد خودش برسد.

بین دعا‌های روزانه و ویژگی‌های دوره رشد که از دعا استخراج می‌شود، ارتباط برقرار می‌کنیم. استخراج ویژگی‌های دوره‌های رشد از دعا بسیار عجیب است و این باید با آنچه قبلاً تحقیق شده است، هم‌خوانی داشته باشد.

طبق روایت شریف که فرمودند شنبه اسمی برای رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) است (یکی از روایات می‌گوید باطن آن روز و روایت دیگر می‌گوید اسم آن روز) و یکشنبه اسمی برای امیرالمومنین (علیه السلام) و دوشنبه اسمی است برای امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و سه شنبه اسمی است برای علی بن الحسین، محمد بن علی و جعفر بن محمد (علیهم السلام) و چهارشنبه اسمی است برای موسی بن جعفر، علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد (علیهم السلام) و پنجشنبه اسمی است برای امام حسن عسکری (علیه السلام) و جمعه اسمی است برای امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). حالا این به دوره‌های زندگی تبدیل می‌شود.

دوره اول؛ روز شنبه، ظهور یوم رسول الله (صل الله علیه و آله و سلم)؛ دوره حرکت و برانگیختگی:

بچه من وقتی هفت ساله شد، باید ظرفیت دریافت رحمت و رزق معنوی متناسب او فراهم شود و در پناه سرپرست قرار بگیرد و توان دریافت و وسعت لازم را داشته باشد. این دوره، دوره ذخیره سازی و مقاوم سازی است. دوره حرکت و برانگیختگی که فرد مستعد برای دریافت رزق می شود. کاری نمی کنیم که اسم آن بدی باشد یعنی پیش روی بچه دعوا نمی کنیم و او مهربانی می بیند تا ظرفیت مهربانی او بالا رود. دعا و میل به نماز پدر و مادر را می بیند و اقتضای رحمت و رزق برایش فراهم می شود. کار پدر و مادر نشان دادن جلوه های رحمت و رزق است.

در دوره اول باید کاری کرد که او مایل به رحمت الهی شود و رزق معنوی برای او موضوعیت داشته باشد. باید او ارتباط پدر و مادر با خدا را ببیند. حالا فرد دعا می کند برای روز شنبه یعنی برای دوره اول رشد خود یا فرزندش دعا می کند که باید چنین چیزهایی برای او فراهم باشد، این می شود «ذکر». برای هر هفته را می توان برای خود و فرزندان خواند. دعای روز شنبه حضرت را به عنوان مرحله رشد بخوانید، خیلی جالب است که مو به مو می گوید تا چه باید بکنید. به عنوان ویژگی های رشد دوره اول می توان خواند تا فهمید که برای بچه در دوره اول چه باید کرد. اینها خیلی جالب است و بنده شخصا هنگام نوشتن آنها، مبهوت شان شدم. بیشترین تبعاتی که به بچه ها می رسد عدم رحمت پدر و مادر نسبت به هم است و این بچه ها را مضطرب می کند و خزائن رحمت را می بندد. نگوئید بچه چه گناهی دارد، به هر حال انسان باید بپذیرد که رفتارش بر زندگی دیگران اثر تکوینی دارد و می تواند اقتضای هدایت ایجاد کند. باید طفل نشاط در زندگی را در هفت سال اول از پدر و مادر ببیند. بچه باید در این دوره شادابی در راه خدا را ببیند. دعای روز شنبه را بخوانید به نیت اینکه کارهای دیگری که برای شما نشده است، توسط حضرت صدیقه (علیها السلام) و با دعای او برایشان جاری شود. این فقط دعا نیست بلکه یک جریان و اتفاقی است که باید در این دوره بیافتد.

دوره دوم؛ روز یکشنبه، ظهور یوم امیرالمومنین (علیه السلام)؛ دوره حکم و حکمت دانی:

یوم یعنی شبانه روز. دوره دوم، دوره حکم و حکمت دانی است. در دوره رسیدن به بلوغ که فرد باید بفهمد وظایفی دارد. اینکه هر بایدی و نبایدی حکمتی دارد و این غایت دوره است. دوره تفکر، دوره عبودیت، دوره خیرگزینی است.

مولفه های این دوره دو دسته هستند: دست یابی به عوامل فلاح، نجات و صلاح. فلاح یعنی کاری می کند که به نتیجه برسد. کودک ما باید سیر «از-تا» را ببیند و در او قصد متولد شود.

سیر که متولد شد باید ببینید چه چیزی او را به نتیجه می‌رساند و چه چیزی آن را خوب می‌کند و چه چیزی آن را اصلاح می‌کند. باید رستن و رسیدن و اصلاح را بفهمد. اگر کار خرابی کرد چگونه باید آن را درست کند. درک قدرت اصلاح مربوط به دوره دوم است.

انابه یعنی قدرت رجوع داشتن. فرد حقیقت را در قوه حافظه خود قرار دهد و اذن او واعیه شود و توکل و تضرع داشته باشد. تضرع قدرت شیر خوردن است یعنی بداند برای رسیدن به نتیجه باید زحمت بکشد. تضرع گریه‌زاری نیست بلکه معنایش شیر خوردن است یعنی بپذیرد رسیدن به موهبت زحمت دارد و میسر نیست! کار قمار و قرعه همین است و میسر است. در حالیکه چنین نیست، تو باید کار کنی تا پول در بیاوری. باید در گزاره‌ها قدرت ارجاع داشته باشد و حواس‌پرت نباشد و بتواند تکیه کند و خودش را مستقل نداند. تکیه را بلد باشد و تضرع کند و برای تکیه کردن وجه قائل باشد.

در ابتدا با فلاح و رستن باشد؛ از همان اول صبح با بداخلاقی و بی‌نتیجه‌گی شروع نکند و در آخر طوری باشد که به پیروزی و مقاصد الهی برسد و وسط هم صلاح باشد. انسان است، خرابکاری می‌کند اما باید درست کردن را هم بلد باشد!

فلاح به نسبت تقوا مرتبه دارد. فلاح در اینجا مثل شکفتن بذر و از دل خاک بیرون آمدن است.

دعای صباح امیرالمومنین (علیه السلام) داستان این فلاح را به نحو اتم و اکمل بیان می‌کند. صبح را طوری آغاز کنی که به فلاح رسیده باشی مثل کشاورزی که جوانه زدن بذرهايش را می‌بیند. بحث را در فضای عقلی می‌بریم. قبلاً فهمیدیم این دوره، دوره خیرگزینی است. و بعد می‌بینیم طبق تحلیل عقلی این انطباق وجود دارد. در روایات تحلیل عقلی بسیار مهم می‌شود و حتی از خود روایت مقدم می‌شود یعنی تا تحلیل عقلی نشوند، قابل استفاده نیستند.

دوره سوم؛ دوشنبه، ظهور يوم الحسن و الحسین (علیهما السلام)؛ دوره حسن و تقوی:

محور دوره سوم یعنی دوره دبیرستان، دوره کنترل و مراقبت و ایجاد روابط حسنه با خود و با دیگران است. در کتاب حسن‌گزینی این موارد گفته شده است و آنچه الان با دعا می‌گوییم در حد معجزه است که تا این حد مولفه‌ها منطبق می‌شود. قوت در عبادت و آداب‌دانی و تبصر در کتاب و حجت‌دانی و ارتباط با کتاب و فهم حکم است. دور از دسترس نبودن قرآن و آموزش تدبری قرآن. در این دوره است که باید دور نبودن از ولایت، از او اخذ شود.

در تحقیقی در مورد حسن، عناصر خلاقیت بدست آمد که در آن احسان، تفکر، قرائت، علم و الهام به عنوان عناصر خلاقیت شناخته شد.

دوره چهارم؛ سه‌شنبه، ظهور یوم علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد (علیهم السلام)؛ دوره علم و تدبیر و تدبیر:

ذکر در مواجهه با غفلت‌ها، شکر در مواجهه با ذکرها، تطبیق قول شایسته با نیت، توجه به مغفرت و توجه به رحمت، انجام اعمال صالح و برخورداری از درستی افعال.

دوره چهارم دوره دانشگاه و دوره ازدواج است. دعا کنیم ازدواج سهل و ساده شود و این مرحله تاخیر نیافتد و نماز آدم‌ها قضا نشود.

ذکر در مواجهه با غفلت‌ها: جامعه غافل است از ازدواج من اما من باید حواسم باشد. جامعه غافل است از آموزش و کار من اما من باید خودم بروم و یاد بگیرم. در این سن فرد به خاطر غفلت‌های جامعه لطمه زیادی می‌خورد. به بلوغ رسیده‌ای، برو دنبال جهیزه خودت! برو راهش را پیدا کن تا ازدواج کنی. باید ذهن و فکر و خلاقیت را به کار بست و برود به خانه بخت.

شکر در مواجهه با ذکرها: پدر مادرت خانه و ماشین خریده‌اند، خوب شکر کن. ناشکری بچه‌ها در این سن پدر و مادرها را پیر می‌کند.

تطبیق قول شایسته با نیت: باید وقتی می‌خواهد کار شایسته انجام بدهد، از همین جا قول و فعلش یکی شود. توجه به دعا و ذکر: انسان خیلی باید با دعا و ذکر به مغفرت توجه کند. حتی در خانواده‌ات دلت می‌گیرد. غربت داشتن مهم نیست، اینکه در موقع غربت چه می‌کنی مهم است.

انجام اعمال صالح: اگر در این سن فرد زیاد کار نکند، لطمه‌های زیادی می‌بیند. در این دوره بسیار نیازمند عمل است. خیلی خطاها در این دوره انجام می‌شود. اکثر کسانی که در این دوره ازدواج می‌کنند می‌گویند چون تجربه نداشتیم خیلی اشتباه کردیم. دوره چهارم شبیه دوره اول طفولیت است. مقطع دوره اول و چهارم این گونه است که هر اتفاقی او را به هم می‌ریزد.

دوره پنجم؛ چهارشنبه، ظهور یوم موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد (علیهم السلام)؛ دوره سبقت در خیرات:

این تجمیع امامان (علیهم السلام) خیلی اهمیت دارد. در دوره چهارم و پنجم یک مرتبه هفت امام در آن تجمیع می‌شود. مسئولیت پیدا کرده است، رفته سرکار! توجه به عین خدا در حراست شدن. عین خدا یعنی خدا می‌بیند. توجه به رکن خدا یعنی خدا می‌تواند و توجه به اسم خدا در حراست.

در دوره پنجم که فرد در محیط کار قرار گرفته است، دوره سبقت در خیرات است. فرد سرش درد می‌کند برای مسئولیت و خودش را به عین و رکن و اسماء خدا وصل می‌کند و انواع کارها را می‌پذیرد. کم می‌خواهد و کم می‌خورد و این‌ها ارزش است. مسئولیت قبول کردن و عهده‌دار جمعی شدن، ارزش است.

دوره ششم؛ پنجشنبه، ظهور یوم حسن بن علی (علیه السلام)؛ دوره جهاد و مقاومت:

در فکر توسعه دین خدا و آبادانی و سعی در تحقق تقوا و عفاف و سعی در عمل حبّ و رضایت خدا و تامین غنا برای فقر و تامین علم و حلم برای کسانی که جهل دارند، است. مقاومت و استمرار شکر و طاعت و ذکر و... دوره، دوره کم آوردن‌ها می‌شود. کسانی که از جبهه رفتن‌شان پشیمان شده‌اند این مربوط به آسیب‌های این دوره است. خیلی‌ها که استمرار در عبادت ندارند از کارهای خوب قبلی‌شان توبه می‌کنند این دوره نیاز به صبر و استمرار دارد. تجربه کرده است و بد عهدی زیاد دیده است پس کم می‌آورد!

دوره هفتم (آخر)؛ جمعه، ظهور یوم مهدی منتظر (عجل الله تعالی فی فرجه الشریف)؛ دوره حجت و قیام همه جانبه:

امام زمان یعنی کسی که تو را حجت دار می‌کند در موجه‌تر شدن و نجات یافته‌تر شدن و مقرب‌تر شدن و این فرد آماده شلیک برای رفتن پیش خداست! قیام در اخلاص عمل. حال فرد، تقاضای دو رکعت نماز خالصانه می‌شود. این مربوط به امام مهدی دار شدن است. تا دغدغه کسی مقرب‌تر شدن نباشد، امام زمان دار نمی‌شود. قیام برای اتصال دائم به صلوات، قیام برای محبوبیت نزد خدا.

همین موضوع را به نسبت تعقیبات باید پیگیری کرد.

امروز دوره را در روز، فشرده‌سازی کردیم و بعد باید روز را در اوقات و ساعات ببریم.

این کار در من آرزو درست می‌کند و من را از فضای دنیایی خارج می‌کند. این می‌شود موضوع من، برای خروج از دنیاگرایی.

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات